

## درس پنجم: بیداد ظالمان

نوع ادبی: پایداری / قالب: قصیده / محتوا: انتقاد از رفتار ظالمانه مغولان و حاکمان ظالم و دعوت به عدل و داد و نیکی با بیانی کوبنده و نیشدار / شاعر: سیف فرغانی

۱) هم: نیز، یقیناً، بی‌تردید (قید تأکید) / ۲) جهان: مجاز از وجود و زندگی (گذر مرگ بر جهان کسی: کنایه از مردن او) / ۳) رونق: پیشرفت، اعتبار، شکوه (گذشتن رونق زمان: کنایه از ضعف و نابودی) / ۴) زمان: زمانه، دوران.

### ۱. هم<sup>۱</sup> مرگ، بر جهان<sup>۲</sup> شما نیز بگذرد هم رونق<sup>۳</sup> زمان<sup>۴</sup> شما نیز بگذرد

**معنی:** (ای حاکمان ظالم) قطعاً شما نیز خواهید مرد و دوران شکوه و قدرت شما نیز به پایان خواهد رسید.

**مفهوم:** مرگ به سراغ همه خواهد رفت / ناپایداری قدرت و اعتبار / ناپایداری ظلم

**آرایه و دستور:** واژگان قافیه: جهان و زمان، دولت‌آشیان، دهان و ... / ردیف: شما نیز بگذرد / تشخیص: گذشتن و عبور مرگ / تلمیح: اشاره به آیه قرآن

۱) وین: و این / ۲) بوم: جغد، نماد نحسی و شومی / ۳) محنت: اندوه، غم، رنج و بلا [گذر بوم از جایی: کنایه از نابودی و ویرانی آنجا] / ۴) از پی: برای، از بهر / ۵) دولت‌آشیان: دولت‌سرا، آشیانه خوشبختی [ترکیب اضافی مقلوب: آشیان دولت - دولت: اقبال، دارایی، زمان فرمانروایی] /

### ۲. وین<sup>۱</sup> بوم<sup>۲</sup> محنت<sup>۳</sup> از پی<sup>۴</sup> آن تا کند خراب بر دولت‌آشیان<sup>۵</sup> شما نیز بگذرد

**معنی:** بلا و اندوه مانند جغد شومی به سراغ شما نیز خواهد آمد و قدرت و خوشبختی شما را نیز نابود خواهد کرد. (شما را نیز خانه‌خراب خواهد کرد)

**مفهوم:** بلا و اندوه عمومی و فراگیر است / ناپایداری قدرت و خوشبختی

**آرایه:** تشبیه: محنت به بوم و دولت به آشیان / تضاد: دولت و محنت / تلمیح: اشاره به شوم بودن جغد از نظر عوام / مراعات نظیر: بوم، آشیان و خراب / الگوی گروه اسمی «وین بوم محنت»: صفت (این) + هسته + مضاف‌الیه

۱) اجل: زمان مرگ، مرگ / ۲) گلوگیر: آنچه راه نفس را می‌گیرد، کنایه از خفه‌کننده و کشنده / ۳) خاص و عام: تضاد و مجاز از همه مردم و حتی موجودات (کل مصراع اول: کنایه از اینکه مرگ به سراغ همه خواهد آمد) / ۴) حلق و دهان: مجاز از وجود و زندگی

### ۳. آب اجل<sup>۱</sup> که هست گلوگیر<sup>۲</sup> خاص و عام<sup>۳</sup> بر حلق و بر دهان<sup>۴</sup> شما نیز بگذرد

**معنی:** مرگ که به سراغ همه می‌آید، به سراغ شما هم خواهد آمد و شما را هم نابود خواهد کرد.

**مفهوم:** فراگیری مرگ / رهایی از مرگ ممکن نیست.

**آرایه و دستور:** تشبیه: اجل به آب / مراعات نظیر: گلو، حلق و دهان / تلمیح: اشاره به آیه «کل نفس ذائقة الموت» / نقش گلوگیر: مسند

۱) چون: وقتی که / ۲) داد: عدل، انصاف / ۳) به جهان در: در جهان / ۴) بقا: پایداری، جاودانگی (بقا نکرد: پایدار نماند) / ۵) بیداد: ظلم، ستم، مقابل «داد»

### ۴. چون<sup>۱</sup> داد<sup>۲</sup> عادلان به جهان در،<sup>۳</sup> بقا<sup>۴</sup> نکرد بیداد<sup>۵</sup> ظالمان شما نیز بگذرد

**معنی:** از آنجا که عدالت افراد عادل در جهان باقی نماند (عادلان مردند)، قطعاً ظلم و ستم شما ظالمان نیز باقی نخواهد ماند (شما ظالمان هم می‌میرید).

**مفهوم:** عدل و ظلم هر دو گذرا هستند. / مرگ آدم خوب و بد نمی‌شناسد! / ظلم و ستم ظالمان پایدار نمی‌ماند.

**آرایه و دستور:** تضاد: داد و بیداد؛ عادلان و ظالمان / مراعات نظیر: داد و عادل؛ بیداد و ظالم / واج‌آرایی: تکرار مصوت بلند «ا» و صامت «د» / دو حرف اضافه برای یک متمم: به جهان در /

۱) غرش: نعره، فریاد بلند / ۲) شیران: استعاره از انسانهای شجاع و قدرتمند (شیر نماد شجاعت) (مصراع اول کنایه: انسانهای بزرگ و شجاع فوت کردند) / ۳) عوعو: واقی‌واقی (نام‌آوا) / ۴) سگان: استعاره از افراد پست و ترسو (سگ نماد پستی و فرومایگی) (مصراع دوم کنایه: انسانهای پست و ناجوانمرد نیز می‌میرند)

### ۵. در مملکت چو غرش<sup>۱</sup> شیران<sup>۲</sup> گذشت و رفت این عوعو<sup>۳</sup> سگان<sup>۴</sup> شما نیز بگذرد

**معنی:** وقتی فریاد بلند انسان‌های بزرگ و شجاع در کشور (جهان) از بین رفت، (انسانهای بزرگ و شجاع مردند)، قطعاً صدای ضعیف شما انسانهای پست و ترسو نیز باقی نخواهد ماند. (شما نیز خواهید مرد)

**مفهوم:** همه چیز فانی است. / ناپایداری ظلم / قدرت و شکوه پایدار نمی ماند

**آرایه:** تضاد: شیران و سگان؛ غرش و عوعو / تعداد جمله های بیت: سه جمله / ترکیب های اضافی: غرش شیران، عوعوسگان، سگان شما

۱) یاد: استعاره از مرگ (اجل) / ۲) شمع: استعاره از عمر یا وجود یا زندگی مردم عادی و فرودست / ۳) کشتن: کنایه از خاموش کردن / ۴) چراغدان: جای قرار دادن چراغ، استعاره از عمر یا وجود یا زندگی حاکمان قدرتمند (کل بیت کنایه از اینکه مرگ به سراغ جان و زندگی همه می آید)

### ۶. بادی<sup>۱</sup> که در زمانه بسی<sup>۲</sup> شمع<sup>۱</sup> ها بگشت<sup>۲</sup> هم بر چراغدان<sup>۴</sup> شما نیز بگذرد

**معنی:** مرگ که در گذر زمان همچون بادی شمع وجود بسیاری از افراد را خاموش کرد (انسانهای بسیاری را نابود کرد)، قطعاً چراغ وجود شما حاکمان قدرتمند را نیز خاموش خواهد کرد (شما قدرتمندان را نیز نابود خواهد کرد).

**مفهوم:** مرگ به سراغ همه خواهد آمد / همه چیز ناپایدار است. / مرگ ضعیف و قوی نمی شناسد!

**آرایه و دستور:** تلمیح: اشاره به آیه «کل نفس ذائقة الموت» / مراعات نظیر: شمع، بگشت و چراغدان / تضاد: باد و شمع / نقش «شمع»: مفعول

۱) کاروانسرا: جای اقامت کاروانیان، استعاره از دنیا / ۲) کاروان: قافله، استعاره از عمر یا نسل یا حکومت (گذشتن کاروان: کنایه از مرگ و نابودی)

### ۷. زین کاروانسرای<sup>۱</sup> بسی کاروان<sup>۲</sup> گذشت ناچار، کاروان شما نیز بگذرد

**معنی:** نسلها و حکومت های بسیاری به کاروانسرای دنیا آمدند و بعد از مدتی رفتند (مردند)؛ قطعاً نسل و حکومت شما حاکمان ظالم نیز از بین خواهد رفت.

**مفهوم:** دنیا محل گذر است. / فراگیری مرگ

**آرایه و دستور:** مراعات نظیر: کاروانسرا و کاروان / تکرار: کاروان / نقش دستوری «بسی»: صفت مبهم / نقش «ناچار»: قید /

۱) مفتخر\*: نازنده، سربلند، صاحب افتخار / ۲) طالع\*: سرنوشت، بخت / ۳) مسعود: فرخنده، مبارک، نیک / ۴) اختران: ستارگان (گذشتن تأثیر اختران: به پایان رسیدن بخت و اقبال، بدبخت شدن، کنایه)

### ۸. ای مُفْتَخِرْ<sup>۱</sup> به طالع<sup>۲</sup> مسعود<sup>۳</sup> خویشتن تأثیر اختران<sup>۴</sup> شما نیز بگذرد

**معنی:** ای کسانی که به بخت و اقبال خوب خود افتخار می کنید، دوران خوشبختی شما نیز به پایان خواهد رسید.

**مفهوم:** ناپایداری دولت و خوشبختی / همه چیز فانی است

**آرایه و دستور:** مراعات نظیر: طالع، مسعود و اختران / واج آرایی: تکرار صامت «ت» / تلمیح: بیت به اعتقاد قدما درباره تأثیر ستارگان در سرنوشت انسانها و حدیث «الدهر یومان؛ یوم لک و یوم علیک» اشاره دارد / نوع ترکیب «طالع مسعود»: وصفی

۱) جور: ستم / ۲) کنیم: می سازیم (ز تحمل سپر کنیم: صبر و مقاومت می کنیم، کنایه) / ۳) سختی کمان (سخت کمانی): کنایه از سلطه و قدرت و ستم

### ۹. بر تیر جورتان<sup>۱</sup> ز تحمّل سپر کنیم<sup>۲</sup> تا سختی کمان<sup>۳</sup> شما نیز بگذرد

**معنی:** در برابر ظلم و ستم شما صبر و مقاومت می کنیم تا دوران قدرت و سلطه شما حاکمان زورگو هم به پایان برسد.

**مفهوم:** تأکید بر صبر و بردباری در برابر ظلم و زور / ظلم و ستم و قدرت و سلطه پایدار نمی ماند.

**آرایه:** تشبیه: جور به تیر و تحمل به سپر / مراعات نظیر: تیر، سپر و کمان /

۱) رمه\*: گله [استعاره از مردم] / ۲) چوپان (شبان): استعاره از مأمور و عامل حکومت / ۳) گرگ طبع: درنده، کنایه از ظالم (طبع: سرشت، طبیعت) / ۴) گرگی: گرگ بودن، کنایه از درنده خویی و وحشی گری / ۵) شبان: چوپان، استعاره از مأمور و عامل حکومت (شبان = چوپان)

### ۱۰. ای تو رمه<sup>۱</sup> سپرده به چوپان<sup>۲</sup> گرگ طبع<sup>۳</sup> این گرگی<sup>۴</sup> شبان<sup>۵</sup> شما نیز بگذرد

**معنی:** ای حاکمی که مردم را به کارگزاران درنده خو و ظالم سپرده ای، قطعاً دوران این درنده خویی عاملان و مأموران شما نیز به پایان خواهد رسید.

**مفهوم:** ظلم پایدار نمی ماند / انتقاد از حاکمانی که عاملان و کارگزاران ظالم به کار می گیرند.

**آرایه:** مراعات نظیر: چوپان، رمه و گرگ / تضاد: رمه و گرگ / تشبیه: چوپان به گرگ (گرگ طبع) / پارادوکس: چوپان گرگ طبع – گرگی شبان

**دستور:** حذف: حذف منادا پس از حرف ندای «ای» در ابتدای بیت – حذف «ای» پس از «سپرده» (سپرده ای) – حذف «آگاه باش» از بین دو مصراع

## بررسی ابیات کارگاه متن پژوهی

\* گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت      گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید

**تحلیل:** نوش: عسل / لعل: سنگی گرانبها غالباً به رنگ سرخ؛ استعاره از لب / کشت: درمانده و نابود کرد، کنایه / آید: شود (اسنادی است) / اضافه

تشبیهی (تشبیه): نوش لعل: لعل به نوش تشبیه شده است / تشخیص: بنده پروری لعل /

**معنی:** گفتم: حسرت لب شیرین تو ما را نابود کرد. گفت: تو نوکری کن تا تو را مورد لطف قرار دهد!

**مفهوم:** فرمانبرداری عاشق از معشوق / بنده پرور بودن معشوق

\* بر در بخت بد فرود آید      هر که گیرد عنان مرکبش، آرز (ناصر خسرو)

**تحلیل:** بخت: اقبال (بر در بخت بد فرود آید: بیچاره می شود، کنایه) / عنان: افسار، مهار (عنان کسی را گرفتن: اختیار کسی را در دست داشتن، کنایه) / مرکب:

اسب و الاغ و ... که بر آن سوار شوند / آرز: حرص، طمع، زیاده خواهی (هر که گیرد عنان مرکبش آرز: زیاده خواه شود، کنایه) / مراعات نظیر: عنان و مرکب /

استعاره مکنیه و تشخیص: عنان گرفتن آرز (آرز به انسانی تشبیه شده که عنان را در دست دارد و چون مشبه به نیامده، استعاره مکنیه می شود) / استعاره

مکنیه: در بخت (بخت به خانه ای تشبیه شده که در دارد و چون مشبه به نیامده است، استعاره مکنیه می شود).

**معنی:** هر کسی که حرص و طمع افسار اسبش را بگیرد (حریص و آزمند شود)، بدبخت خواهد شد.

**مفهوم:** نکوهش حرص و طمع / حرص و طمع موجب بدبختی و بیچارگی است! / طمع کاران دچار بدبختی می شوند.

\* همت بلنددار که نزد خدا و خلق      باشد به قدر همت تو اعتبار تو (ابن یمین)

**تحلیل:** همت: اراده، تلاش، پشتکار / اعتبار: ارزش، آبرو / تکرار: همت، تو /

**معنی:** اراده ای قوی داشته باش و تلاش کن؛ چون از نظر خدا و مردم ارزش و اعتبار تو به میزان تلاش و کوشش بستگی دارد.

**مفهوم:** ارزش و اعتبار هر فرد به همت و تلاش او بستگی دارد / بلند همتی باعث اعتبار انسان می شود

\* برکن ز بن این بنا که باید      از ریشه بنای ظلم برگرد (محمد تقی بهار)

**تحلیل:** بن: بنیان، پایه، اساس، ریشه / بنا: ساختمان، استعاره از ظلم و ستم (از ریشه کردن: کنایه از نابودی کامل) / اضافه تشبیهی (تشبیه): بنای ظلم

**معنی:** این حکومت بیداد و ستم را از پایه ویران کن؛ چون لازم است که بنای ظلم و ستم کاملاً نابود شود.

**مفهوم:** دعوت به قیام و ظلم ستیزی

\* «الذهر یومان یوم لک و یوم علیک» (امام علی (ع))

**معنی:** روزگار دو روز است؛ روزی به نفع تو و روزی به زیان تو

**مفهوم:** ناپایداری روزگار / یکسان نبودن حال دوران

\* ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما      بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان؟! خاقانی

**تحلیل:** ما: ایوان مداین (طاق کسری) کاخ باشکوه ساسانیان که اکنون ویران شده است. / بارگه: بارگاه، درگاه / داد: عدالت / گویی: می گویی، می پنداری /

خذلان\*: خواری، پستی، مذلت / تضاد: داد و ستم / مراعات نظیر: بارگاه و قصر / استعاره مکنیه: بارگه داد (عدل و داد مثل قصری است که بارگاه دارد)

**معنی:** درگاه ما درگاه عدالت و مردم داری بود و اینگونه ویران شد، به نظر شما چه بلایی در انتظار قصر حاکمان ستمگر است؟!

**مفهوم:** «همه چیز» از بین می رود / مرگ آدم خوب و بد نمی شناسد! / ناپایداری ظلم / عذاب بسیار سختی در انتظار ستمکاران است.

## کارگاه متن پژوهی - درس پنجم

### قلمرو زبانی

۱. در شعری که خواندید، پنج واژه مهمّ املائی بیابید و بنویسید. .... محنت، عوعو، اجل، طالع، غُرش، رونق

۲. تفاوت معنایی فعل «کُشت» را در ابیات زیر توضیح دهید.

■ گفتم که نوشِ لعلت ما را به آرزو کشت      گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید

■ بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت      هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

**پاسخ:** ..... کُشت در مصراع اول یعنی نابود کرد و جانش را گرفت و در مصراع دوم یعنی خاموش کرد.

۳. برای هر واژه مشخص شده، یک مترادف از متن درس بیابید.

■ بر در بخت بد فرود آید      هر که گیرد عنان مرکبش، آز (ناصرخسرو) ..... طالع

■ همت بلنددار که نزد خدا و خلق      باشد به قدر همت تو اعتبار تو (ابن یمن) ..... رونق

### قلمرو ادبی

۱. قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید. .... ردیف: شما نیز بگذرد - قافیه: جهان و زمان

(هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد / هم رونق زمان شما نیز بگذرد)

۲. در بیت زیر، کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم      تا سختی کمان شما نیز بگذرد

**پاسخ:** ز تحمل سپر کنیم: صبر و مقاومت می‌کنیم، کنایه / سختی کمان: کنایه از قدرت و سلطه و ستم

۳. به بیت زیر توجه کنید:

برکن زبن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برگند (محمدتقی بهار)

در مصراع اول، مقصود شاعر از «بنا»، مفهوم «ظلم» است؛ یعنی شاعر، «ظلم» را به «بنا» تشبیه کرده است؛ سپس به سبب

شبهت آن دو به هم مشبه (ظلم) را حذف کرده و فقط مشبه‌به (بنا) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی شدن نشان

دهد؛ به این تصویر خیال‌انگیز، «استعاره» می‌گویند.

در استعاره، یک طرف تشبیه (مشبه یا مشبه به) ذکر نمی‌شود.

مثال برای حذف «مشبه به»: خورشید شکفت.

«خورشید» به «گل» تشبیه شده است و «شکفتن» از ویژگی‌های گل است که به خورشید نسبت داده شده است.

■ در بیت پنجم، استعاره‌ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت / این عوعوی سگان شما نیز بگذرد

**پاسخ:** شیران: استعاره از انسانهای بزرگ و شجاع / سگان: استعاره از افراد پست و ترسو

## قلمرو فکری

۱. با توجه به توضیح زیر، معنی و مفهوم بیت اول درس را به نثر روان بنویسید.  
سيف‌الدین محمد فرغانی، در سده هفتم هجری، هنگامی که شهرهای بزرگ و آباد ایران، در آتش بیداد مغولان می‌سوخت، این شعر را سرود. سيف در این سروده، از رفتار ظالمانه فرمانروایان و تاخت و تاز سپاه مغول، با بیان کوبنده‌ای انتقاد می‌کند.  
«هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد / هم رونق زمان شما نیز بگذرد.»

**معنی:** (ای حاکمان ظالم) قطعاً شما نیز خواهید مرد و دوران شکوه و قدرت شما نیز به پایان خواهد رسید.

**مفهوم:** مرگ به سراغ همه خواهد رفت / ناپایداری قدرت و اعتبار / ناپایداری ظلم

۲. در بیت زیر، مقصود شاعر از «رَمه»، «چوپان گرگ طبع» و «گرگی شبان» چیست؟

ای تو رمه سپرده به چوپانِ گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد

**پاسخ:** رمه: استعاره از مردم / چوپان (شبان): استعاره از عاملان و مأموران ظالم حکومت / گرگی: گرگ بودن، کنایه از درنده‌خویی و ظلم و ستم مأموران

۳. از متن درس، برای حدیث و آیه زیر، نمونه بیتی مرتبط بیابید و بنویسید.

الف) «الدَّهْرُ یُومَانِ یَوْمٌ لَّکَ وَ یَوْمٌ عَلَیْکَ» (امام علی(ع))

معنی: روزگار دو روز است؛ روزی به نفع تو و روزی به زیان تو / مفهوم: ناپایداری روزگار / یکسان نبودن حال دوران

**بیت مرتبط:** ای مفتخر به طالع مسعود خوشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد

ب) «کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ». (سوره آل عمران، آیه ۱۸۵) معنی: هر وجودی طعم مرگ را می‌چشد

**بیت مرتبط:** آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد (و چند بیت دیگر)

۴. سروده زیر، یادآور کدام بیت درس است؟

ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان؟! خاقانی

**بیت مرتبط:** چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

## گروه‌های مهم املائی

\* رونق زمان – بوم محنت – آب اجل – خاص و عام – حلق و دهان – غرّش شیران – عوعو سگان – چراغ و چراغدان – طالع مسعود – تأثیر اختران – صبر و تحمل – چوپان گرگ طبع – خذلان و خواری و مذلّت – قصر ستمکاران –  
\* هُمای رحمت – ماسوا و مخلوقات – پسری ابوالعجایب – علم کردن و مشهور ساختن – مُتَحَبِّر و حیران – شَهْ مُلک لافَتی – لسان غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را – مرغ یا حق –

## درس پنجم: شعر خوانی (همای رحمت)

نوع ادبی: غنایی / قالب: شعر، غزل / محتوا: مدح و ستایش امام علی(ع) / سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)

۱. علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را! / که به ماسوا فکندی همه سایه هما را

**نکته و تلمیح:** هما: پرنده‌ای از راسته شکاریان، دارای جثه‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل، نماد سعادت به شمار می‌آید / رحمت: مهربانی، بخشش / تشبیه: علی به هما / آیت: نشانه / ماسوا: مخفف ماسوی‌الله؛ آنچه غیر از خداست؛ همه مخلوقات / سایه هما را بر سر کسی افکندن: کنایه از خوشبخت کردن کسی و تلمیح به عقاید گذشتگان درباره پرندۀ هما / ایهام تناسب: آیت (نشانه، ق.ق) / آیه قرآن، غ ق و تناسب با خدا) / نوع «را»ها: در مصراع اول متممی به معنی «از / برای» و در مصراع دوم مفعولی / نقش دستوری «علی»: منادا

**معنی:** ای علی! ای پرندۀ رحمت و سعادت، تو عجب نشانه بزرگی از خدا هستی که سایه خوشبختی و رحمت الهی را بر سر همه موجودات عالم افکنده‌ای.

**مفهوم:** عظمت، رحمت و سعادت بخشی امام علی(ع)

## ۲. دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین به علی شناختن من، به خدا قسم، خدا را

**لغت و آرایه و دستور:** دل: مجاز از انسان / رخ علی: مجاز از وجود و رفتار علی / در رخ علی دیدن: به وجود، سیرت و رفتار علی توجه کردن (کنایه) / واج آرایه صامت «خ» و «د» و مصوت «ا» (خدا) / تشخیص: سخن گفتن با دل / حذف فعل: به خدا قسم [می خورم]؛ حذف به قرینه معنایی / تعداد جمله‌ها: ۵ تا / نقش «دل»: منادا /

**معنی:** ای انسان اگر می خواهی خدا را بشناسی فقط به رفتار و کردار علی (ع) توجه کن. قسم به خدا که من از طریق علی، خدا را شناختم!

**مفهوم:** شناخت علی (ع) مقدمه شناخت خدا است. / شناخت علی بهترین راه شناخت خدا است.

## ۳. برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

**لغت و آرایه و دستور:** مسکین: درمانده، بیچاره / در خانه کسی را زدن کنایه از کمک خواستن از او / نگین: مجاز از انگشتر / نگین پادشاهی به کسی دادن: کنایه از بخشندگی بسیار / بیت تلمیح دارد به بخشیدن انگشتر به گدا در نماز به وسیله امام علی (ع) که در قرآن هم به آن اشاره شده است. / تضاد گدا و پادشاه / مراعات نظیر: گدا، مسکین، در خانه زدن و کرم / نقش دستوری «گدا» در مصراع دوم: متمم («را» در معنی «به» به کار رفته است). **معنی:** ای گدای بیچاره برو و از علی کمک بخواه؛ زیرا او به خاطر بخشش و جوانمردی فراوان، انگشتر پر ارزش پادشاهی به گدا می بخشد.

**مفهوم:** کرم و بخشش فراوان امام علی (ع)

## ۴. به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا؟

**لغت و آرایه:** پسر: منظور امام حسن (ع) / قاتل: مجاز از ضارب (این ملجم مرادی) / مدارا: نرمی، خوشرفتاری، سازش / بیت تلمیح دارد به ماجرای ضربت خوردن امام علی (ع) در شب نوزدهم رمضان و سفارش آن حضرت به امام حسن (ع) درباره مهربانی با ضاربش / تکرار: اسیر / به جز از علی که گوید؟ هیچ کس غیر از علی نمی گوید (استفهام انکاری) / جناس تام: که (چه کسی) و که (حرف ربط)

**معنی:** غیر از علی (ع) کس دیگری به پسر خود سفارش نمی کند که «اکنون که ضارب من اسیر تو است با او به مهربانی رفتار کن!»

**مفهوم:** بخشایش، رحمت و رأفت فراوان امام علی (ع)

## ۵. به جز از علی که آرد پیری ابوالعجایب که علم کند به عالم شهادی کربلا را؟

**لغت و آرایه:** آرد: تربیت می کند / به جز از علی که آرد...؟: غیر از علی کس دیگری نمی تواند ... ، استفهام انکاری / ابوالعجایب\*: شگفت انگیز [پسری ابوالعجایب: پسری شگفت انگیز، منظور امام حسین است. «] / علم کردن\*: مشهور کردن، سرشناس کردن [کنایه] / بیت تلمیح دارد به شهادت امام حسین (ع) و یارانش در واقعه کربلا / جناس ناقص: علم و عالم

**معنی:** غیر از علی هیچ کس نمی تواند پسری شگفت انگیز همچون امام حسین تربیت کند که شهادی کربلا را در دنیا مشهور سازد.

**مفهوم:** امام علی (ع) پدر و معلمی بزرگ و بی همتاست. / ستایش امام علی و امام حسین (ع)

## ۶. چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان چو علی که می تواند که به سر برد وفا را؟

**لغت و آرایه:** چو: وقتی که (مصراع اول)، مثل و مانند (مصراع دوم) / به (مصراع اول): با / «دوست»: ایهام دارد: خدا یا پیامبر؛ که در حالت دوم به «لیله المبیت» تلمیح دارد / پاکباز: کنایه از کسی که در راه معشوق همه چیزش را فدا کند، عاشق صادق / که می تواند ...؟: هیچ کس نمی تواند (پرسش انکاری) / به سر بردن وفا: انجام دادن وفا، تا به آخر وفادار ماندن، کنایه

**معنی:** هیچ انسان وارسته و عاشقی وقتی با معشوق (خدا / پیامبر) پیمان دوستی می بندد، نمی تواند مثل علی (ع) تا آخر وفادار بماند.

**مفهوم:** علی فداکارترین و وفادارترین انسان است!



## ۷. نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را؟

**لغت و آرایه و دستور:** متحیر: حیرت زده / ملک: سرزمین، مملکت، پادشاهی / ملک لافتی: سرزمین جوانمردی (تشبیه لافتی .... به ملک) / «شه ملک لافتی» استعاره (کنایه) از امام علی / بیت تلمیح دارد به جمله مشهور «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» که ندایش همزمان با رشادت های امام علی در جنگ احد در فضای آسمان پیچیده شده بود. / نقش «ش» در توانمش: اولی مفعول (او را)، دومی متمم (به او)

**معنی:** او را نه خدا می توانم بنامم و نه انسان. در شگفتم که پادشاه سرزمین جوانمردی را چه بنامم؟!

**مفهوم:** بیان عظمت امام علی(ع) / فوق بشری بودن امام علی / شگفتی و ناتوانی شاعر در وصف عظمت امام علی(ع)

## ۸. چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ / که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را؟

**لغت و آرایه:** چه: چرا (چه زخم؟ نباید بزنم، استفهام انکاری) / نای: نی، نوعی ساز / نوا: نغمه، سرود، استعاره از شعر / دم: «اولی» مجاز از لحظه، (دومی) نفس، مجاز از شعر و سخن (دم زدن: نفس زدن، کنایه از سخن گفتن و شعر سرودن) / جناس تام: دم اول (لحظه) و دم دوم (سخن و شعر) / لسان غیب: لقب حافظ / بنوازد: می نوازد، به صدا درمی آورد (بنوازد این نوا را: این آهنگ را می نوازد، کنایه از: شعر را بهتر می سراید) / تشبیه شاعر به نای (نی) در مصراع اول / تشخیص: دم زدن نی / مراعات نظیر: نای، بنوازد و نوا

**معنی:** نیازی نیست که من هر لحظه از شور و عشق امام علی سخن بگویم (شعر بسرایم)؛ چراکه شاعر بزرگ، حافظ، این شور و اشتیاق را بهتر از من در شعرش نشان داده است: (بیت بعدی از حافظ است)

**مفهوم:** اظهار عجز و ناتوانی شاعر در توصیف شوق خود نسبت به امام علی(ع)

## ۹. «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»

**لغت و آرایه:** همه شب: هر شب یا کل شب / نسیم صبحگاهی: نماد پیام رسانی / آشنا (اولی): معشوق (خدا برای حافظ و امام علی برای شهریار) / آشنا (دومی): عاشق (حافظ / شهریار) / بنوازد: نوازش کند، دلجویی کند / تضاد (طباق) بین شب و صبحگاه / آرایه تضمین (بیت از حافظ است که شهریار عیناً آورده است) / تشخیص: پیام رسانی نسیم

**معنی:** هر شب (سراسر شب) را با این امید به صبح می رسانم که نسیم بامدادی با پیامی از جانب دوست (معشوق) من عاشق را نوازش کند.

**مفهوم:** بی قراری و انتظار عاشق به خاطر معشوق / امیدواری به پیام و لطف معشوق

## ۱۰. ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

**آرایه و لغت:** نوا: نغمه و سرود / مرغ یا حق: مرغ حق، نوعی جغد که هنگام آواز خواندن گویی کلمه «حق» را تکرار می کند / «دل شب»: استعاره مکنیه و تشخیص / دوست: معشوق، منظور خداست / شهریار تخلص شاعر است که در بیت آخر آمده. / مراعات نظیر: نوا، بشنو، گفتن / نقش شهریار: منادا

**معنی:** ای شهریار از آواز خوانی مرغ یا حق بیاموز که در نیمه های شب با معشوق درد دل کردن و غم خود را به او گفتن چقدر زیبا و دلنشین است!

**مفهوم:** همه پدیده ها تسبیح خدا می گویند / درد دل کردن با یار بسیار خوش است.

## درک و دریافت

### ۱. برای خوانش مناسب و تأثیر گذار این سروده به چه نکاتی باید توجه داشت؟

**پاسخ:** این شعر مفهومی مدحی دارد، بنابراین باید با لحنی ستایشی خوانده شود تا باور ما را به بزرگی امام علی (ع) نشان دهد. نیز باید با توجه به معنا و مفهوم مکث و درنگ و فراز و فرود مناسب داشته باشیم.

### ۲. در این سروده به کدام ویژگی های شخصیت والای حضرت علی(ع) اشاره شده است؟

**پاسخ:** فوق بشری بودن، سعادت بخشی، بخشنده گی، گذشت و مهربانی، عدالت، جوانمردی، وفاداری، پاکبازی و ...